

ضمایر تکراری در زبان فارسی

محمد راسخ مهند

(دانشگاه بوعلی سینا)

چکیده

ضمایر تکراری در جایگاهی قرار می گیرند که سازه ای از آنجا حرکت کرده باشد. در زبان فارسی این ضمایر در بندهای موصولی، فک اضافه و گروه حرف اضافه ای با عنصر پیشایند شده به کار می روند. ضمایر تکراری در فک اضافه و گروه حرف اضافه ای با عنصر پیشایندشده اجباری اند و در مورد بندهای موصولی با توجه به دیدگاه های کینن (۱۹۷۷) و هاوکینز (۱۹۹۱)، (۲۰۰۴) حضور ضمایر تکراری تابع شرایطی است. اگر ضمیر محذوف هم مرجع با هسته بند موصولی، فاعل باشد، این ضمایر به کار نمی روند. اگر هسته بند موصولی مفعول صریح باشد حضور ضمایر تکراری اختیاری است و اگر هسته بند موصولی مفعول غیر صریح یا وابسته ساخت اضافی باشد، حضور مفعول صریح اجباری است.

۱. مقدمه

مک کی و مک دانیل (۲۰۰۱، ص ۱۱۴) ضمیر تکراری [resumptive pronoun] را ضمیری می دانند که در جایگاهی ظاهر می شود که از آن جایگاه سازه ای حرکت کرده است. هگمن (۱۹۹۴، ص ۴۰۹) ضمیر تکراری را هم مرجع با هسته بند موصولی می داند. در واقع تعریف مک کی و مک دانیل دربردارنده تعریف هگمن نیز می باشد چون در بندهای موصولی نیز هسته بند موصولی از جایگاه

زیرساختی خود حرکت کرده است. یکی از تفاوت‌های بندهای موصولی در زبانهای مختلف نحوه ارجاع به هسته‌بند موصولی در درون بند موصولی است. مثلاً در زبان انگلیسی، ضمیری درون بند موصولی وجود ندارد که هم مرجع با هسته‌بند موصولی باشد و به آن اشاره کند (مثال ۱)، اما در زبان فارسی ضمیر می‌تواند درون بند موصولی به کار رود و هم مرجع با هسته‌بند موصولی باشد، که این نوع ضمائر را ضمائر تکراری می‌نامند (مثال ۲):

1. The man that I gave milk to_ .

۲. الف) مردی که من شیر را به او دادم کارمند بود.

ب) مردی که من شیر را بهش دادم کارمند بود.

در (۲ الف) ضمیر تکراری ضمیر آزاد است ولی در (۲ ب) ضمیر تکراری، پی‌بست مفعولی است. در واقع نقش پی‌بست ضمیری در (۲ ب)، یکی دیگر از نقشهای پی‌بستهای مفعولی است (رک راسخ مهند ۱۳۸۴).

دبیرمقدم (۱۳۸۴ ص ۴۳) به ساختهای موصولی و کاربرد ضمائر تکراری در آنها اشاره دارد و با ارائه مثالهای زیر نشان می‌دهد که چه زمانی در ساختهای موصولی ضمیر هم مرجع با هسته‌بند موصولی به کار می‌رود و چه زمانی این امکان وجود ندارد.

۳. نسرین مردی را که [/او* / علی را به مینا نشان داد] می‌شناسد.

۴. نسرین مردی را که [علی (او را) به مینا نان داد] می‌شناسد.

۵. نسرین مردی را که [علی مینا را / به او نشان داد] می‌شناسد.

در جمله (۳) ضمیر تکراری درون بند موصولی نقش فاعل دارد و هم مرجع با هسته‌بند موصولی (مردی را) می‌باشد. در این وضعیت ضمیر تکراری به کار نمی‌رود. در جمله (۴) ضمیر تکراری مفعول صریح بند موصولی است و با هسته‌بند موصولی هم مرجع است. همانگونه که مشخص است در این حالت کاربرد ضمیر

تکراری اختیاری است. در جمله (۵) ضمیر تکراری مفعول غیرصریح بند موصولی است و کاربرد آن اجباری است و نبود آن باعث نادرستی شدن جمله می گردد. کینن و کامری (۱۹۷۷) دریافتند که در زبانهایی که ضمیر تکراری در بندهای موصولی کاربرد دارد، حضور ضمائر تکراری بسته به هسته‌بند موصولی قابل پیش‌بینی است. اصل آنها تحت عنوان سلسله مراتب دسترسی [accessibility hierarchy]، به این معنی است که اگر زبانی برای هر رده، از ضمائر تکراری استفاده کند، در مورد رده‌های پایین‌تر نیز از ضمیر تکراری استفاده خواهد کرد. سلسله مراتب دسترسی کینن و کامری (۱۹۷۷) به این ترتیب است:

فاعل < مفعول صریح < مفعول غیرصریح < حالت اضافی

به این ترتیب اگر در زبانی هسته‌بند موصولی مفعول صریح باشد و ضمیر تکراری در آن به کار رود، در مورد بندهای موصولی که هسته آنها مفعول غیرصریح یا ساخت اضافی باشد نیز ضمیر تکراری کاربرد دارد. هاوکینز (۱۹۹۹)، (۲۰۰۴) تبیینی نقشی از حضور ضمائر تکراری در بندهای موصولی ارائه می‌دهد. به باور وی وظیفه شنونده معین کردن مرجع هسته‌بند موصولی درون بند موصولی است. از دیدگاه گوینده نیابردن ضمیر تکراری خوب است چون اقتصاد زبانی را رعایت کرده است. اما علاقه شنونده متفاوت است. اگر ضمیر تکراری در بند موصولی باشد، اصل شمایل [iconicity] بهتر رعایت شده که بر این اساس هر واحد معنایی باید دارای مابه‌ازای ساختاری باشد (کینن ۱۹۸۷)، و به این ترتیب درک آن واحد معنایی آسان‌تر خواهد بود. اگر ضمیر تکراری در بند موصولی به کار نرفته باشد، یافتن مرجع سخت‌تر است و هر چقدر فاصله میان هسته‌بند موصولی و محل سازه حرکت داده شده بیشتر باشد، این سختی بیشتر خواهد شد. مثلاً اگر در زبان فارسی توالی کلمات جمله را فاعل + مفعول صریح + مفعول غیرصریح + فعل بدانیم، فاصله میان هسته‌بند موصولی و فاعل کمتر از فاصله آن با مفعول صریح و مفعول غیرصریح است. به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود که مثلاً

اگر در فارسی ضمیر هم مرجع با هسته‌بند موصولی، فاعل باشد، احتمالاً نیازی به آمدن ضمیر تکراری به‌حای فاعل در بند موصولی نیست، چون فاصله آن کم است و امکان تعیین مرجع برای شنونده سخت نیست، اما در عین حال اگر ضمیر متناظر با هسته‌بند موصولی، مفعول غیرصریح باشد، حضور ضمیر تکراری بیشتر نیاز است چون فاصله هسته و عنصر حرکت داده شده بیشتر است. در بخش (۲) خواهیم دید که این پیش‌بینی درست است و با بررسی ضمائر تکراری در بندهای موصولی فارسی، هم سلسله‌مراتب دسترسی (کینن ۱۹۷۷) و هم تبیین نقشی هاو‌کینز (۱۹۹۹، ۲۰۰۴) را مورد بررسی قرار خواهیم داد. البته به این نکته نیز اشاره خواهد شد که ضمائر تکراری فارسی فقط در بندهای موصولی دیده نمی‌شوند و ساختهای دیگری نیز دارای این ضمائر هستند. بخش (۳) مقاله به اجباری و اختیاری بودن ضمائر تکراری در فارسی می‌پردازد و بخش (۴) خلاصه و نتیجه‌گیری مطالب است.

۲. توزیع ضمائر تکراری

در نمونه‌های (۶)، (۷) و (۸) ضمائر تکراری به‌کار رفته است:

۶. الف) مردی که تو او را دعوت کردی / دعوتش کردی کارآگاه است.

ب) کسی که تو از او / ازش شکایت کردی دیوانه است.

ج) پسری که پیراهن او / پیراهنش زرد است معلم است.

۷. الف) علی باباش اومد. (بابای علی اومد)

ب) آقا کوچیک رو چقدر خرج تحصیلش کردم. (چقدر خرج تحصیل آقا کوچیک کردم)

ج) من پدرم مریضه. (پدر من مریضه)

۸. الف) علی را برایش مغازه باز کردیم. (برای علی مغازه باز کردیم)

(ب) احمد را از ش پول قرض گرفتیم. (از احمد پول قرض گرفتیم)

نمونه‌های (۶) بندهای موصولی هستند. در هر سه جمله ضمیر تکراری به کار رفته است که در برخی موارد اختیاری و در برخی موارد اجباری است. در ادامه به بررسی بندهای موصولی فارسی و حضور ضمائر تکراری در آنها پرداخته شده است. همچنین همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این جملات، ضمیر تکراری می‌تواند ضمیر آزاد یا پی‌بست باشد.

نمونه‌های (۷) مثالهایی از فک اضافه (صادقی ۱۳۵۸) در فارسی هستند. در واقع در جمله (۴ الف) "بابای علی" ساخت اضافی بوده است که هسته آن "بابا" و وابسته آن "علی" بوده است. اما با حرکت دادن وابسته و آوردن آن به پیش از هسته، به جای آن ضمیر تکراری به کار رفته است. این ساختها بیشتر در محاوره مرسوم هستند و حضور ضمیر تکراری به صورت آزاد در این جملات رایج نیست، ولی ضمیر تکراری به صورت پی‌بست در آنها به کار می‌رود.

نمونه‌های (۸) نیز کاربرد ضمائر تکراری را در گروه‌های حرف اضافه‌ای نشان می‌دهد: مثلاً در (۸ الف) "برای علی" گروه حرف اضافه‌ای بوده است که با حرکت متمم به قبل از حرف اضافه، ضمیر تکراری به جای عنصر حرکت داده شده به کار رفته است. در این ساخت نیز ضمیر تکراری پی‌بست است و آمدن ضمیر آزاد رایج نیست. پس می‌توان گفت ضمائر تکراری در سه ساخت در فارسی کاربرد دارند: بندهای موصولی، فک اضافه و گروه‌های حرف اضافه‌ای با متمم پیشایندشده. در بخش (۳) به کاربردهای اجباری و اختیاری ضمائر تکراری در فارسی خواهیم پرداخت.

۳. اجباری و اختیاری بودن ضمائر تکراری

در این بخش ابتدا به حضور یا عدم حضور ضمائر تکراری در بندهای موصولی فارسی می‌پردازیم و سپس به دو جایگاه دیگر آنها در فک اضافه و گروه‌های حرف اضافه با متمم پیشایندشده می‌پردازیم.

جملات (۹) حضور ضمیر تکراری در بندهای موصولی را نشان می‌دهد:

۹. الف) مردانی که *آنها/ - آمدند معلم های سابق من بودند.^۱

ب) مردی که او را/ - دیدم معلم سابق من بود.

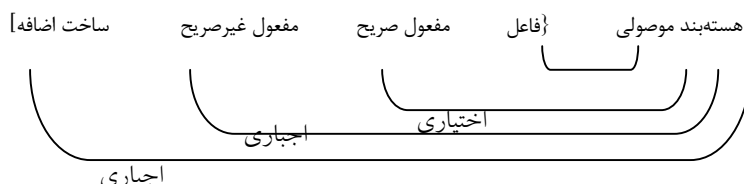
ج) مردی که با او/ *با - حرف زدم معلم سابق من بود.

د) مردی که پیراهن او/ * - زرد است معلم سابق من بود.

در (۹ الف) ضمیر هم مرجع باهسته‌بند موصولی، فاعل است و همان‌گونه که دیده می‌شود حضور ضمیر تکراری باعث نادستوری شدن جمله می‌شود، اما جمله بدون ضمیر تکراری دستوری است. در (۹ ب) که ضمیر تکراری مفعول صریح بند موصولی مفعول صریح است، حضور ضمیر تکراری اختیاری است و نبودن آن نیز باعث نادستوری شدن جمله نمی‌شود. در (۹ ج) که ضمیر تکراری مفعول غیرصریح بند موصولی است، حضور ضمیر تکراری لازم است و نبودن آن باعث نادستوری شدن جمله می‌شود و در (۹ د) نیز که ضمیر متناظر هسته‌بند موصولی، وابسته ساخت اضافی است، حضور ضمیر تکراری لازم است و نبودن آن باعث نادستوری شدن می‌گردد. به این ترتیب می‌توان گفت که پیش‌بینی کینن (۱۹۷۷) در سلسله‌مراتب دسترسی در مورد ضمائر تکراری درست است. در زبان فارسی به غیر از فاعل که در ابتدای این سلسله‌مراتب است، اگر بقیه نقش‌های دستوری هسته‌بند موصولی واقع شوند ضمیر تکراری در بند موصولی می‌تواند یا باید بیاید. در واقع اگر دیدگاه هاوکینز (۱۹۹۹، ۲۰۰۴) را نیز به صورت زیر نشان دهیم، وقتی ضمیر محذوف متناظر با هسته‌بند موصولی، فاعل است، نیازی به ضمیر تکراری نیست. وقتی این ضمیر مفعول صریح بند موصولی است، حضور ضمیر تکراری اختیاری است، اما در سایر موارد وقتی فاصله هسته‌بند موصولی و

^۱ البته در ظاهر در جمله مردی که آمدش معلم من بود، ضمیر تکراری -ش به کار رفته است. اما باید دقت کرد که نقش -ش در این جمله ضمیر تکراری نیست و مانند شناسه عمل می‌کند و فقط در مورد افعالی که شناسه صفر دارند کاربرد دارد. (برای بحث بیشتر رک جهان پناه ۱۳۸۰).

جایگاهی که سازه از آن حرکت کرده زیاد می‌شود، حضور ضمیر تکراری اجباری می‌شود:



پس می‌توان گفت دیدگاه‌های کینن (۱۹۷۷) و هاوکینز (۱۹۹۹، ۲۰۰۴) در مورد ضمائر تکراری با داده‌های فارسی تأیید می‌شود. حضور ضمیر تکراری در دو جایگاه دیگر، یعنی فک اضافه و گروه حرف اضافه ای با متمم پیشانیدشده اجباری است. در این موارد اگر ضمیر تکراری به کار نرود، ساخت نادرستی خواهد شد. در این دو جایگاه نیز حرکت نحوی صورت می‌گیرد و به جای عنصر حرکت کرده ضمیر تکراری قرار می‌گیرد. پس می‌توان گفت ضمائر تکراری در سه جایگاه در فارسی به کار می‌روند که حضور آنها در دو جایگاه اجباری است و در مورد بندهای موصولی نیز فقط در یک مورد که هسته‌بند موصولی با فاعل بند موصولی هم مرجع است، این ضمائر به کار نمی‌روند و در مورد مفعول صریح نیز اختیاری هستند، اما در سایر موارد کاربرد آنها اجباری است.

۴. نتیجه‌گیری

در این نوشته مختصر تعریف ضمائر تکراری ارائه شد و کاربرد آنها در سه جایگاه مختلف فارسی مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب مشخص شد ضمائر تکراری در فک اضافه و گروه حرف اضافه ای با عنصر پیشانیدشده اجباری‌اند و در مورد بندهای موصولی با توجه به دیدگاه‌های کینن (۱۹۷۷) و هاوکینز (۱۹۹۱، ۲۰۰۴) حضور ضمائر تکراری تابع شرایط است. اگر ضمیر متناظر با هسته‌بند موصولی،

فاعل بند موصولی باشد، این ضمایر به کار نمی‌روند. اگر این ضمیر در نقش مفعول صریح بند موصولی باشد، حضور ضمایر تکراری اختیاری است و اگر نقش آنها مفعول غیرصریح یا وابسته ساخت اضافی در بند موصولی باشد، حضور مفعول صریح اجباری است.

فهرست منابع

- جهان پناه، سیمین دخت (۱۳۸۰) "ضمیر متصل -ش و داشتن، دو گرایش تازه در زبان فارسی"، *مجله زبانشناسی*، سال شانزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۱، صص ۱۹-۴۳.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۳) *دستور زبان فارسی*، تهران، طوس.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۶) "واژه بست چیست؟"، *مجموعه مقالات سومین همایش زبانشناسی*، به کوشش محمد دبیرمقدم و یحیی مدرسی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی.
- دبیرمقدم، محمد، ۱۳۶۹. "پیرامون را در زبان فارسی"، *مجله زبانشناسی*، سال ۷، شماره ۱، صص ۲-۶۰.
- دبیرمقدم، محمد، ۱۳۸۴. *پژوهشهای زبانشناختی فارسی*، *مجموعه مقالات*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راسخ مهند، محمد، ۱۳۸۴. "نشانه مطابقه مفعولی در زبان فارسی"، *ارائه شده در نخستین همایش انجمن زبانشناسی ایران*، تهران، ۲۳ و ۲۴ اسفند ۱۳۸۴.
- راسخ مهند، محمد. ۱۳۸۵. "افعال مرکب پی بستی و شیوه ضبط آنها در فرهنگهای فارسی"، *فرهنگ نویسی*، ویژه نامه نامه فرهنگستان. ش ۱ صص: ۲۳۶-۲۵۳.
- صادقی، علی اشرف، ۱۳۵۸. *دستور*، سال دوم آموزش متوسطه عمومی رشته فرهنگ و ادب. سازمان کتابهای درسی ایران.

Ghameshi, Jila (1996) Projection and Inflection: a study of Persian phrase structure. Unpublished Ph.D. dissertation, University of Toronto.

Haegeman, 1994, *An Introduction to Government and Binding Theory*, Oxford and Cambridge, Blackwell Publishers

Hashemipor, Margaret M. (1989) Pronominalization and control in modern

- Persian, Ph.D. dissertation, University of California at San Diego.
- Haverkort, M. (1993). *Clitics and Parametrization: Case Studies in the Interaction of Head Movement Phenomena*. Ph.D. dissertation, Tilburg University. Distributed as ESF EUROTYP Working Papers VIII, 2.
- Hawkins, J. A., 1999, "Processing Complexity and filler-gap dependencies across grammars", *Language* 75, 2, 244-285.
- Hawkins, J. A., 2004, *Efficiency and Complexity in Grammars*, Oxford: Oxford university Press.
- Kayne, R.S. (1975). *French Syntax. The Transformational Cycle*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Kayne, R.S. (1989). "Null Subjects and Clitic Climbing", in: O. Jaeggli & K. Safir (eds.), *The Null Subject Parameter*. Dordrecht: Reidel, 239 - 261.
- Keenan, E. and Comrie, B., 1977, "Noun phrase accessibility and universal grammar", *Linguistic Inquiry*, 8, 1: 63-89.
- Keenan, E., 1977, "On surface form and logical form", in Keenan E., *universal Grammar: fifteen essays*, London: Croom Helm, 89-120.
- Keenan, E. (1987), "A Semantic Definition of 'Indefinite NP'," in Reuland, E. & ter Meulen, A. (1987), (eds.), *The Representation of (In)definiteness*, Cambridge, Mass.: MIT Press: 286-317.
- Klavans, J.L. (1985). "The Independence of Syntax and Phonology in Cliticization", *Language* 61: 95 - 120.
- McKee, Cecile, and McDaniel, Dana.(2001). " Resumptive pronouns in English relative clauses", *Language Acquisition* 9:113-156.
- Taghavipour, M. (2004) "An HPSG analysis of Persian relative clauses", In: S. Muller (ed.) *Proceedings of the HPSG04 Conference*, CLSI Publications. P: 315-329.